

جای اداره کتبا

دیر - فلاغین کتباتی

ملکرافات و مکاتیب

باید بعنوان ذیل باشد

فومن جنگل

مراد چهارمه طبع و توزیع خواهد شد

گفت نمزوفت شامی

کتابخانه

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایحه و طایفه
خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضا
و عنوان پذیرفته نمیشود

دو اشراک بعد از شماره و نام

قیمت اشراک

بجای ده اشراک

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و متورانکار اسلامیان است

آیا وجود ناقص به از عدم صرف است
کابینه محبوب پس از طی کمرشسته زلزله و بحر نیک
عموم علاقه مندین باین آب و خاک راستدید
باخللال خود مینمود علی رغم امال وطن خوانان در
مطابق آرزوی بدیسانیکه لزوم ترسم کابینه را
با نواع تفسط و لحاج جا پلان ثابت میکردند
بالاخره بصوتیک یک عضو فاسد (دوام الهلکم)
اصلاح کردید !!!

گویم این فلسفه قانع شدند که امروزه با وضوح
فقدان مخط الرجالی وجود ناقص به از عدم صرف
است در این مورد و آیا

وجود ناقص به از عدم صرف است
در این جا تا کزیریم که عتاید خود را بخلاف احوال
حکما با دلیل ساده عاری از اغلو طهای ابدی
ذکر نمایم

گرچه از گوشه و کنس میشویم که نسبت خسوت
قلم و حرارت خارج از برکت را با ممد بندید
جواب این ایرادت بی مدک میگوئیم که این
به برکت ...

همه تحمل بجا (با تحمل بیجا که خواری آرد بار) عزیز
ذلت چه نفسی بر دم امر و زنت حق گوی ما که
حق و جمع موجوداتش کو ایند جز طریق صدقت
و خدمت بوطن و ملت طریقی نه پموده پس از
چند سال آواره کی امروزه فرسوده کی مرض ابتلا
به بستر ناتوانی که هنوز هم گرفتاریم و فشارهای
جان گاه ادراک محیطی آزاد نموده آری
محیط آزادیکه بخون جوانان ناکام ما برگ

نوبه لان ما بعد کاری برادران دلیر با هوای
روح پرور آزاد را واحد کرده دیده محیط آزادی که
مالهای جان گذار ضجه های جگر خراش برادران
بی سپر، اطفال بی پدر، زنان بی شوهر خواهران
بی برادر، دلهای ساکنین آن خطه را کباب
میکند محیط آزادی که از شش صحت مخاطه
دشمنان خارجی و غائین داخلی و محلی تعقد
دوستان نادان جاهل کرده دیده محیط آزاد که
بافتد آن همه ادوات انقلابی با مخذورات حیرت
آردی که فقط باید دید و نمید بخش آزادی نمود
و ...

بنازیر و نیزنگ و تهدید و هزاران ترقیات
 آور با دست شرفان ایرانی و قلم حق شکن بی
 وجد نهایی وین فروش با مغلطه های ضد حقیقت
 بالجله با وزارت توام السلطنه با منجر آمدن بوی صبا
 آزاد آنرا مسموم نمایند در این چنین محیطی که کجاست
 یک عده از جان گذشته خیانت خائنین و
 آترک های خدارانه دشمنان وطن و دین تاکنون
 شولت اثرات سوء خور را در آنجا نفوذ دهد.

علی در همه عیالی با کزیه که منور بد بیان نهمت
 گوناگون ستش میدارند و گر چگونه خود داری می
 جان از ذکر حقایقی که بر حقیقت طلبان گرفتار
 تقیه و جوب ذکر آن را مصدق و مقصد که چون
 ما فعلا آزادییم و از اوانه باید بگویم نبوسیم چشم

چشمیم
 بچشمی که باز هم ترکیت بر بر طراکه کلمه خرابها
 مملکت بلا دیده ما از آن ناشی گشته شاعر خوش

قرار و بهیم
 امروز که قلم ادبایی حریت پرور و نویسنده کلان
 صالح با هنر و آن خفا سرگران بهانیکه با یکدیگر نیا
 اسف در تحت تصنیق و فشارهای طاقت فرسای
 اجانب و اضرار خداران ایرانی محدود کرده
 و قادر نیستند مردم بد بخت ایران را کاملاً بر طاف
 نشان آگاه کنند

آباد بر همه روزی وظیفه نمانت که متعقب
 نبات حسنه آن فرزندان خلف وطن با بیان آنگین
 خود سخن سرانم دانچه را که تهدیدات خارجیه مانع
 است بگویند بگوینم
 بگردان آنگه تمام ایران گرفتار این تهاوز و

ظلم سکا و زمین داخلی و خارجی است ولی ما را عجمانی
 (تا بعد با این همه دشمنان از نمانت چه شود) محلی محفوظ
 از تعرض بیگانگان و بد کرداران میسر گشته زمین
 موقع و در این محل نباید مردم را آگاه نامیم؟
 زهی بوجدانی و خیانت که در همه وقتی هم در
 زاویه سکوت و خاموشی خریده امید داریم
 که با قوتی و محافظه کاری و عجز و مسکت و اهلها

بچاره گی مورد ترحم دیگران کردیم
 نه چنین است با میگویم، بنویسیم، باکی از
 ایرادات توبه میان دور از حقیقت نداریم
 ما وظیفه خود را ادا کرده با صدق و بی شائبه
 حق را بگزر میکنیم و باین دلیل مختصر با جمله کوتاه
 ثابت میکنیم که عشویت توام السلطنه بر مردم مسلط

نیست در این جا
 وجود ناقص به از عدم نخواهد بود
 باین دلیل - حرثات موزیه سباع خاره
 در عالم خلقت وجودند و وجود (بنا بر وجود خود)
 غیر محض است ولی برای اذیت و ضرری که از
 وجودشان در اجتماعات بشری دارد میشود
 بقوامی عقل وجودشان مقرر عدشان از
 وجود بالبدیهه و فشان واجب است پرورش
 دادن انشی در استین مجاورت با حیوان درنده
 مصاحبت با عفرت کننده با مضرات محوره
 آنها با اسم اینکه وجود ناقص به از عدم صرف است
 غلط محض و فاعل یک چنین فعلی را بی شبهه باید
 محفل العور و بکل از دانش دور دانست امروزه
 وجود توام السلطنه و برادر والا کهرش در لوق
 الدوله بلیک عده از عزیزان بی حیثیکه گویند

پاکش ایران رقت و عبودیت خود را با ناسند
 شرعی سپردند با نظر نطی در افعال زمان ریاست
 وزمانداری آنها واضح میکند که وجودشان مانند
 همان سباع ضارّه و مکر و بهای مودیه مفرجات
 اجتماعی و ستم فیلک روح ملی ما هستند از وجود
 علاقه آنکه نفسی مشاهده میشود ای بسا دچار
 محاطرات و مهالکی هستیم که بهی در بحال حسن
 کرده و دانسته ایم.

اما برای فساد اخلاق اغراض شخصی، جهل نفاق
 خاطر خواهی و دوستی و یا محافظه ثقل و مقام و
 روزه که تقریباً حق التکوت میدهند صرف نظر
 کرده بلکه تقویت و حمایت میکنیم ستم قاتل را بر
 فاروق نام نهاده مکر و بطل را از لوازم محبت
 مزاج ثابت مینماییم.

مگر همین قوام السلطنه و برادر گرامی او متابعت
 اسلافشان که بدون تعارف و دریا مصداق این
 شعند پدرم روضه رضوان بدو کندم نفوذ
 ناخلف باشم اگر من بجوی نفروشم صفیات
 تاریخ ایران را بخیانت های صرخی که گمان نپذیرم
 منصفانه بتوان انگار نمود لکه دار کرده اند در
 چیدن نوبت زمام داری خود چه اثری جز ارباب
 خیانت و بدکاری و وطن فروشی عایت و بربا
 معایب ماگفتی با و کار گذاشتند که امروزه
 همان اثر را ترتیب اثر داده و جدا تا تصدیق نمود
 که ممکن است از وجودشان بعد از برای اصلاح
 خرابی های طاریه منتفع گردد؟
 کابینه چه نقضی داشت! در صورت نقص
 و احتیاجش بر مسم آیا وجود قوام السلطنه چه گونه

مصلح و معالج آن نواقص خواهد گردید!
 ما بر ضد عقاید خود دکه کابینه آقای علاء السلطنه
 تقدیس میکنیم، فرضاً که به نظر آن مخر را تصدیق
 کرده فساد کابینه را تسلیم نمایم علاج آنرا آیا بضرورت
 قوام السلطنه انصافاً علاج فاسد باید نماید؟
 حالیه که وزارت ایران ملک حلال و حق
 بیروال کیفیده که قطر شکم و استخوان پوسیده
 اجداد و الا تبار خود با تجلاتیرا که بخیانت و وطن
 فروشی و شارا لانی و کردارهای مخرب و با
 و انسانیت حاصل نموده اند گردیده ما تقصیر
 در بین این کرگان آدمی صورت که همه ملتغیبها
 تاریخی را شنیدن یک کلمه حضرت اشرف
 و با تحقیر تعارف دوستانه یکی از سفرای دول
 مجاوره با ما خندانک رشوه که آنهم در یک شب
 صرف شهوات ناموس بر باد ده آنها میشود
 چیزی بشمارند چند نفری که معنی وزارت را حدت
 بوطن دانسته اند زمام امور مملکت و ایران
 ما را در این موقع بحران امروزه دنیا و حریق
 عالمگیر جنگ بین المللی و مبارزه حیاتی ملل
 عالم که هر ملتی بانی صبری و شتاب در فکر استاده
 از این بچرانند در دست بگیرند آنوقت این
 مزدوران اجانب و این خاموشی که وزارت
 را حق خود می میدانند با تحریکات خارجی هر روز
 بیک ترمیمی نکلین با اشکال تراشی و تولید اغتشاش
 خار راه اصلاحات شده بقوت بیگانگان کلین
 را محبور با استعفا نموده اگر نشد با ستم ترسیم کی در
 از خائنین رضیمه و زرامی امین نموده و با این ستم
 که مانند مرض مبرم شفا قلوبس میدهد با ستم

میکنند اعضا، عاقله را بی ثمر و همه را فسخ و حتی که آتش
 رفته رفته کابینه را منحل و بجای آنها همین خائنین
 به عمل و پیش و اول استیلا و تجاوز بگایگان
 جالس منذ وزارت گردیده میکنند آنچه را
 تا امروز کرده اند و دیده ایم.

چگونه می توانیم خود را فریب داده متقاعد
 گردیم که قوام السلطنه تبعیدات خود باید ارکشیه
 و در ویف و زاری صحیح العمل مشغول اصلاحات
 مملکتی شده و وظیفه یک نفر وزیر با شرف را
 ادا خواهد نمود.

زیرا امتحانات عدیده که در زمان وزارت
 های متعدده خود (مالیه، داخله، جنگ) و اداری
 و مختصر نمونه اعمال او بجای عماراتی است که بی
 شهادت میدهند این وزیر ایران پرستی
 وزارت را خوب مبوق گردیده و کلاما عهد
 نماید بقبول کاران میزرای امیر کبیر حاصل می
 سال سلطنت مستبده من در تمام ایران یک
 باغی است که قوام السلطنه با بهره چهار سال
 وزارت خود در زمان مشروطیت خواهد خریداری
 کند.

چون رشوه و فساد در ایران تقریباً همی
 پیدا نموده این جمله را هم از معایب این وزیر
 محترم محسوب نمیکند افعال دیگرش که ذکر آنها
 ما را از ذکر مقصود باز میدارد و شاید لزومی در
 تذکار آن نباشد بباحق میدهد که با بکار خود
 ثابت بوده و او را در کابینه حاضره عضو فاسد
 دانسته و وجودش را با موجودیت نقیضه های
 اخلاقی و دیانتی به از عدم صرف بدانیم.

کو با فراموش کرده ایم کابینه اخره آقای موسوی
 المالک که حقیقتاً تاریخ ایران ثعبانیت عملیات
 آن کابینه میتواند افتخار کند بصفت دوزیر
 فاسد به عمل (فرمانفرما، سه سالار) فایده آخر
 الامر ساقط گردیده این همه خرابیها و قتل و غارت
 ها نیکه در ایران شده و هنوز هم میشود و مشاهد
 میکنیم از اثر انضام آن و ضمیمه و یا آن دو وصله
 ناجور است.

مستورهای حوادث ناضیه که امروزه با طرز غیر
 قابل تقریری در انظار ما عوض اندام نماید عجایبها
 تنبه بمانند، باز هم غافلانه خود را تسلیم میدهیم که
 شاید در آینده برخلاف گذشته رفتار کنند.
 با احتمالات قطعیات را رد میکنیم محوسات را
 منکر میکنیم ویم و برای تنگی قافیه همین کلمه مثبت
 میگویم که

وجود ناقص به از عدم صرف است
 در حالتیکه خائنین عدشان به از وجود میا
 با بکند نیات اثر و تاتف این پرده جدیدی را که
 اکتورهای باهر خارجی بجای بازی گذشته اند تمام
 شامیکنند با اتفاق نصف مردم ایران که نصف
 دیگرش بر کفمت غلطی و گرسنگی تلف شده از
 این فریب روایان بی دیانت عاری از مرد
 خلاص میشوند) با نظاره ظهور حوادثی مستم که از
 این جن انتخاب البته موافق میل اجانب ظاهر خواهد
 شد پس از چند روز دیگر دوزیر دیگر هم با بازی
 خارجی مستفی و ثوق الدوله نیز یکی از وزارت
 خانه را را اشغال نموده بتدریج سایر منظره نواره
 نیکه مثل گرگ گرسنه دهن باز کرده اند بازرد

ایشان نایل و بقیه ملت فلاکت دیده ایران را بعنوان اسارت ابدی تسلیم بیگانگان نخواهد کرد

مادر مقابل این سیلهای بلا قدری که طاقت بشری قادر بر عبود واری است مقاومت نمود با شایسته مقصود را (که دفع استیلای اجانب و حفظ آزادی و حریت است) در آغوش نشیده یا جان بر سر این کار میگذاریم بنام نیک می میسریم و زندگانی ننگین را مانند این زندگان با ننگ تفت پانیریم

بگیر دو بنام به که صد زنده به ننگ و قانع سهری یک جوان شرف

مخاطب السلطان برادرزاده مغایر - الدوله که درس و خطوبه ای و ناموس اخلاقی را از غم بزرگوار خود تحصیل کرده بعلاوه ردالتباه که در حکومت غم و معاونت خود نموده دیدنی هم پس از غل با پرروئی و سماجتی که مخصوص فامیل محترم ایشان است دار الحکومه شریف بلوٹ وجودش طوٹ میباشد این اوقات خواست خیانتهای سابقه خود را تکمیل و بمباغت عم گرامی خود که در تبریز مسئله مل احمی و غیره تاریخ درخشان را جایزیت آری با خون سایر آثار خسته خود در گیلان سادگار بگذارد روز جمعه سلسله محرم بی آنکه از هیچ سمتی تعرضی یا تهدیدی مشاهده نماید و در نظر صاحب منصب بیت و مخفر سالد روس را با هم مخالفت خود بعمارت حکومتی آورده و منزل داد

این حرکت در تمام شهر انعکاس مسمی پیدا کرده شهر متزلزل و قریب معطل عمومی گشته و نزدیک بود کار بخرکهای نازکی شود آقای عزت الله خان نماینده محترم ملت اشخا و اسلام که فعالیت در قمار عالی اش بخدمات و تقسیم سابقه اس اوفی تازه بخشیده بفریت از بهمان اهالی حلولگر کرده با قونولگری و ریاست قشون دولت و موکر اسی روسیه داخل نه اگره گردیده تعجب در اینجا است که قونولگری در ریاست قشون یکسره ازین حرکت بی اطلاع ملاحظه صاحب منصب و سایر ارباب از عمارت حکومتی امر با خراج نمودند و آنها نیز خارج اهالی از مضطرب خاطر و بهمان آسوده شدند

نمودند

مخاطب السلطان بی وجدان که موفق باین نیت خانانه خود نشد ناچار حرکت را متوقف ترصح داده عازم طهران گردیدند اشخا و اسلام کلا حظه اینکه این جوان غاری از حب وطن و ارامی رهنمائی از طرف دولت بود از مجازاتش اعراض نمودند و منظر عم که دولت علیه بپادشاه این خیانت بزرگ معاونت و لایقی را برای او نقص دانسته مستقلاً بکومت ولایت و گرس منصب کشند زیرا تا امروز هر فانی از هر نقطه مرکز ورود کرد و بعد از ثبوت خیانتش بار تهاج و در رتبه عالی ناخجل گردید

اگر مجازات در مملکت کار فرما بود ایران ایرانیان بد بخت بچین روزی مصروف

نی شدند
عجب تر نطق و قول دولت فخریه بکلیس
است که خیلی مختصر در این مورد ویراد نموده که
ما را با تفصیل در نمره آیه خواهیم در این موضوع
ذکر کرده نمود.

تظلم امانی رشت

حضور محترم ایستاد معظم هیئت اتحاد اسلام رشت
نصرتهم .

بدین است که از آغاز تجمع تاکنون انحاء
فداکاری از برای حفظ استقلال این مملکت و
حیانت نوامیس اسلامی مبدول داشته اند
و همه قسم زحمت و صدقات فوق العاده از برای
رفع ایادی ظلام جابره و قلع شجره استبداد
و طغیان متحمل شده اند البته نتایج عملیات
خالصانه آن هیئت مقدسه در پیکانه بزوان
ناک و بزرگان دینی و ذوالاحسان ملی
محموظ و شایان بسی تجید و تقدیر است و اگر
این اقدامات صمیمانه علاوه از آنکه سر مشق بندگان
از برای وطن عزیز است موجب یکدیگر نیست
تا رنجی از برای برابریان دوست و سلام خواه
نهایت قابل شکر و تقدیر است چنانچه نظاره
اوضاع کمونی این بلد با نفوذ جانب و تحریک
مفسدین داخلی بخوبی همه امانی واضح نماید که
حفاظت اموال و اعراض و نفوس خود را
از حسن نیات آن امضاء مقدس است و راحتی و
آسایش سکینه این بلد را با تأمل در همه محفل
الذکر فرجه از توجهات کافی آن دولت محترم
میدانم شکرانه ان نعمت را فرض و نه خود را

ایستاد

دانسته و میدانیم شخص تکمیل نواقص نظام شهر
لازم دانستیم که مطلب ذیل را خاطر نشان نماید
هیئت مقدسه بنمایم .

چندی بود امانی از رفتار خانانۀ منفاخر الدوله
در زحمت و فشار بودند تا اکنون موقفاً از شر و
غصه او رهاست شده ایم بدستخاندۀ اریا امور
بعد از حرکت او تاکنون عطف توجیبی بطرف کمال
نموده اند با چنین اهمیت موقع مدتی است امر
حاکم صحیح العمل را از برای رشت با اینهمه درخواستها
مواظب نظر نموده اند .

مخاطب السلطان که بقیه از نیات افعال شایسته
است از نمره آن شجره و مربی تربیت آن خائن
بوده این او ان وقت را غنیمت دانسته و جاه
اسیه در میدان خیانت و تفسیح حقوق امانی است
و تا نمیکند نه در اجراء او امر دولتی کفایتی و نیز در
احقاق امانی امانی و نه در نظام و حفاظت مردم
شهر حدیث و صمیمیتی داشته و دارد سهل است
همه وقت نقش و بافاد و اختلال امور هیئت
گماشته و دو اسبه نیاز در صورتیکه مقام حلوان
رشت نه قبول و ارثی این خانواده است
(هنوز زبان دولتی صادر نشده است) و نه من
کفایتی در اینها مشاهده شده است که دولت
مقبوعه حرف نظر از اینها را فهم سازد و نه آیه
در روایه بر وجوب حکمرانی این فامیل نازل
کر دیده است که امانی مجبور با طاعت و تقیاد
این جماعت خائن شوند
لذا اضطراراً شرحی بیهیت مغلطه و زراعت
وامت شوکتهم از سواد رفتار مخاطب و مفا

خرد و انعام یک حاکم صالحی را فخر برده نموده ایم که
 سواد آن عیناً در لف پاکت است خوانند
 ملاحظه فرمود و لازم شمردیم که اذنان مقدسه
 بهت استخار اسلام را هم مستحضر داریم و استغنا
 کنیم نظری هم با مورخه شریف شهرت بفرمایند
 غنی و میرحسینی برانالی گذاشته همگی را از شر و
 رخسار آقای حاجی مغایه خرد و مخاطب رحمت
 فرماید تا راحت الحال و مرده البال بدعا گوی
 و بوظایف مقرر خودمان مشغول شویم
 و دست و گودوبک امضا

تلگراف

بهت محترم اتحاد اسلام و بهت توفیقاً هم تلگراف
 تسلیم آمیز که حاکی از اشتراک آن بهت محترم
 در قضیه بایک بود بلا نهایت موجب نزدیکی
 احساسات صائبه و حسن ظنی که در این موقع
 ابراز فرموده اید شایان کمال تقدیر و موفقت و
 بقای سلامتی آن بهت محترم را همواره خواهیم
 و نیز امیدوارم افراد دولت بهت مجدداً
 نوعیه توفیقات کامله حاصل کنند
 بمختصی تجلیاری

استناب

اهدایات وطن پرستانه آقای امیر عسکری و آقایان
 رشید الممالک و سالار فاقان و سایر خوانین
 محترم اهل طویل شامون که متحدین محترم بهت
 اتحاد اسلامند و مخصوصاً تلگرافیکه اخیر آقای
 امیر عسکری برای مساعدت و تادیه قروض دولت
 محابره نمودند تشکر نموده بهم عالییه این فرزندان
 رشید ایران آینه درخشنده را امیدواریم

بزرگان مملکت را متوجه باین تلگراف نموده
 بنیت پاک آقای امیر عسکری و سایر خوانین محترم
 تاسی هست دولت را از زیر بار قروضی که با
 شرایط خانه برانداز متحمل است حجت نمایند
 ملاقات

ریاست نشون دولت و موکراسی روسیه مقیم گیلان
 با عده از صاحب منصبان محترم روز یکشنبه دوم صفر
 اظهار دوستی و صمیمیت بیارار جمعاً ترم در و در نموده
 طرف بهت اتحاد اسلام و دوزخ غیور ابران آقای
 میرزا کوچک خان و آقای حاجی احمد آقا
 نامور پذیرائی گردیده با احترامات و تشریفاتیکه در خود
 این میهمان محترم بود پذیرائی کردند

عصر چهار روز پس از ختم مذاکرات دوستانه معاهد
 بشهر نمودند شرح این ملاقات و اسامی میهمانان را
 در نمرات بعد مفصلاً بعرض قارئین میرسانیم

ادبیات گیلکی

ای براران ای براران فردا بایند دکان سز
 تا بگویم من شینه ره چه با مویا ایران سز
 آینه وطن خائنین سی بکده تا که بنو
 خاک سیانچی آینه ایران سز طهران سز
 کابینه پی بهم بزو وزیران عوض کده
 قوام السلطنه بنیت باز با و کلن سز
 وزیر داخله بو خاک به او وزیر سز
 ایران کار و خزان به شد شینه کاران سز
 بشد و چته روز دگر و اگر دید باسل و کلنک
 تا همگی ایچا بشیم کسره کورستان سز
 ایران قبر بکنیم آینه انچه بجا ایم سز
 تحویل اکلینس ندی از فادان تا گیلان سز

مهرم

ای انگلیس ای انگلیس تیره دور دور واز کین
 هر چه تی دین دیره باور شیر ز سر کران
 اگر تیر بازو زوز دیره دانی تو پهلوان
 چیره تیره زوزه خرج ندی اطرش ایان
 ضعیف که خوب تو دانی مظلوم خفته کنی بهتر
 آفت چیره ناری بکفار وزیر ترکان
 اما تو خاطر جمع ببو تا جنگین زنده این
 تیره وانا کن تا بی آن خاک نشو کن
 ایرانیان ایرانیان بهت کیند بهت کیند
 گر انگلیس دس بیایه ملک کینان سر
 مثل هندوستان آمد احوار و دلیل خویز کن
 آه رانیه آخر بستر مضر پالو عمان سر
 ای بران بانید بانید تو بخت باورید
 انا فوزگان بزیم آن دشمنان سر
 یا کار با کیره بو یا همه کشته بهیم
 یا آینه دسه کو تا کنیم ایران و بندون سر
 چسرنند برند
 دولت

اگا دمی جنگل برای ربودن یک اشرفی مردگانی
 مشغول تفحص کتابهای لغت است بالاخره خواب
 یافت البته نا امید شیطان است

مکروب
 از مجلس حفظ الفقه خبر میدهند بازگی از داد و فریاد
 و گریه ایالات و ولایات در مرکز نگرینی تولید
 شده که اغلب از رجال را بعلت به نقل سامع کرده است
 توضیح

آقای مخاطب السلطان در خصوص خواستن
 هیت پنج نفر سادات در دار الحکومه فرستاده است

که راجع با مورات داخله بوده بلکه برای بند و اندرز
 و تشویق ایشان بوده که در این موقع بار یک از
 حکومت موقتی روسیه که طالب دوام جنگ
 میباشد سپهری و مترد نمایند
 دخت و اضطراب مالی رشت از جهالت است
 تجھیرات

بجسته بیت دنم محترم آقای مخاطب السلطان سر
 باز می فوج معود را با عده از قزاقهای ایرانی در
 دار الحکومه جمع نموده و مخاطب ساخته و دستور
 میدهند که برای کمک و معاونت بقرون
 ایتالیا اعزام گردند صاحب منصبهای فوج
 مذکور برای تهیه لوازمات تا بعد از خاتمه جنگین
 المللی دولت خواستند

حق شناس
 جوانانی میشد که برای پاس زحمت دولت فخره
 انگلیس در حفظ ملل صغیره یلس جنوب شده اند
 دولت خواهی

سی که داشتن انبار دولتی از گندم و جمع نکردن محصول
 از صحرا از نیکفای آقای حاج محمد ششم السلطنه بوده بلکه
 از احتیاط و دولت خواهی بوده که مبادا مردم
 از بیک گرسنه و پریشانند هجوم آورده آدوغه را
 تاراج نمایند

عقده خورد کسیون از راق جبران خواهد کرد
 صنایع مستظرفه در وطن ما ایجاد یک مصور
 ماهری شده که تصویر خادمان مرده را با احتمال
 خاشاک زنده در یک تابلو جلوه میدهد به قسمی این
 هنر را تکمیل کرده که قاریین و ناظرین و تماشاچیان
 مرده را از زنده و حاشان را از خادوم تمیز دهند